



18-01-2012

محمد ضیا ضیا

گذشته را صلوات؟!

به وفرت مشاهده شده که افراد یاجمعیت های نامتجانس افغانها از نگاه عقاید و وابستگی های سیاسی، گروپی ... در استرالیا و در دیگر کشور های غربی ، در مراسم ختم و یا فاتحه، ... دور هم بالای یک دسترخوان می نشینند، و بیشترین صحبتها، جدلها و مباحث روی مسایل کلان سیاسی صورت میگیرد. و در نتیجه آنهاییکه وابستگی های سیاسی به احزاب گوناگون داشتند یا دارند، طوری وانمود میسازند که گویا از گذشته ها که هر چه شده، هیچ یاد نشود و بر آنچه که گذشته خاک انداخته شود و بر **گذشته صلوات** گفته شود، در عوض دردنیای مهاجرت با روحیه برادری و اخوت زنده گی به پیش برده شود...

این گونه حرفها بد نیست و باید که چنین هم باشد، اما لازم است به این نکات نیز توجه گردد:

واضح است که حکومتهای خودکامه و مزدور امارتی و سلطنتی (خانواده ها) طی چند صد سال مردم و ملت افغانستان را به قهقرا کشانید. که آخرین زمامدار سلطنت، محمد ظاهر بود. هیچ کس منکر آن شده نمیتواند که تا 6 ثور 1357ش در افغانستان ظلم، بی عدالتی، بیکاری، مرض، بیسوادی، عقب مانیهای علمی، فرهنگی و ده ها و صد ها مصیبت دیگر دامنگیر مردم مظلوم افغانستان نبود. اما پس از آنکه کودتای 7 ثور بوسیله حزب خلق و پرچم و به قومانده حفیظ الله امین؟ قدرت را تصاحب کرد، شعار های آزادی، دموکراسی، حق، عدالت، ترقی و شعار معروف (کور، کالی، دودی) به هر در و دیوار آویزان شد.

هنوز مدتی نگذشت که نه تنها دیگر اندیشان بلکه روز تا روز بالای افراد عادی جامعه توهین، تعقیب، توقیف، زندان، قتل، آواره گی، توپ تفنگ، طیاره و اسکارد افزونی یافت. در چنین احوال **تیغ دوسر**، سایر احزاب که ریشه های شان از خارج کشور، خاصه پاکستان و ایران آب میخورد، رونق یافتند. درین موقع عده ای از مردمی که جان، مال و اعتقادات شان زیر ستم حکومت خلق و پرچم قرار گرفته بود و چه بسا که زیر خط فقر و بیکاری قرار داشتند و یا آتش انتقام شان نسبت به مظالم خلق و پرچم شعله ور شده بود، خود را به احزاب مخالف رژیم 7 ثور پیوند دادند و قافله را به پیش بردند.

از تیغ دو سر احزاب یاد کردیم؛ مسلم است که یک لبه تیغ احزاب در مجموع در جهت قلع و قمع دشمنان هوا خواهان و طرفداران آنها به خونریزی ادامه داد و لبه دیگر آن به خاطر اهداف احزاب شان و در نهایت به خاطر بقای سیطره رهبران حزبی شان زیر نام دین، میهن، آزادی، دموکراسی ... تداوم نمود. درین میان، جنگ و ستیز در بین گروه‌ها و یا قوت‌های علنی متخاصم چون رژیم کودتا و سایر احزاب و گروه‌های چپ و راست مخالف وجود داشت که پس از رژیم کودتا تا به حال ادامه دارد. اینکه قتل و قتل و هرگونه جور و ستمی که میان رژیم‌ها و مخالفان شان با همدیگر صورت گرفته یا میگیرد، مسأله جداست، لیکن در این وسط هزاران در هزار انسان بی دفاع از زن تا مرد و از پیر تا جوان در میان آتش و خون از دست هر یک از رژیم‌ها، دولت‌ها، احزاب و گروه‌ها به اشکال مختلف به قتل رسیده، زندان شده و ستم بالای شان روا شده است. بدون شک، داغ‌های ناسور به دل هزاران پدر، مادر، شوهر، خانم، خواهر و برادر باقیمانده است. بناءً کدام منطق قبول خواهد کرد، که این داغها و درد‌ها از دل و دماغ و دیده گان حتی نسل‌های بعدی زودده شود؟

می‌رسیم به مطلب اول الذکر، در باره گذشته را صلوات

بیت معروف را شنیده اید که:

پدر گشتی و تخم کین کاشتی

پدر کشته را کی بود آشتی

مسلم است که هزاران در هزار هموطن بی گناه و بی پناه ما، به عناوین مختلف در حالت بی گناهی در زمان رژیم خلق و پرچم به زندانها رفتند، شکنجه‌ها دیدند، اعدام شدند، در پولیگونها زیر آوار شدند، نقطه به نقطه خاک ما زیر آتش توپ و بمبارد قرار گرفت... چگونه میتوان قبول کرد که به همین ساده گی، جباران و قاتلان زمان را آنهمه یتیمان، بیوه زنان، پدران و مادران داغیده .. مورد عفو قرار دهند؟

از جانب دیگر آیا دست فروشان مظلوم، کسبه کاران، عابران سرگردان و زنان گدایی گر ... که در شهر کابل و سایر نقاط افغانستان بدنبال یک لقمه نان می‌گشتند، آماج صد‌ها و هزاران فیر راکت و هاوان قرار نگرفتند و در عالم بی گناهی به قتل نرسیدند؟ و چه عجب که فیر کننده‌های آن به این پندار که (مرمی‌ها، تعدادی را به بهشت و تعداد دیگر را به جهنم رهسپار می‌سازد، زیر نام دین و اسلام مردم مجبور افغانستان را به خاک و خون نکشاندند؟ آیا آن دروازه بانان جهنم گاهی به این اندیشیده بودند که آنها چه جنایت‌هایی را انجام می‌دهند؟ و سر انجام آنهاییکه در عالم بی خبری با انفجارات انتحاری جان‌های شیرین خود را از دست داده‌اند، وارثان آنها، آن آدمکشان را مورد بخشایش قرار می‌دهند؟ شما چه فکر میکنید؟

بلی! میثاق انسانیت و حق بشر در معنی واقعی آن این است که حق به‌حقدار برسد، اعاده حقوق شود، محاکمه شرعی و مدنی برپا گردد...

هرچند که والاترین شیوه‌ایکه آنرا هم خدا می‌پسندد و هم اخلاق عالی انسانیت، همانا، عفو در موقع قدرت است. اما طوری که قبلاً نیز اشاره شد افغانها از قماش در هر گوشه و کنار دنیا و خاصاً در استرالیا با ترکیب غیر متجانس از نگاه پیوند به احزاب سیاسی و وابستگی به کتله‌های

قومی، زبانی، مذهبی و ... در زیر چتر قوانین و امکانات کشور متبوع بصورت فردی و یا اکثراً در محافل فاتحه و ختم، به پرخاشهای سیاسی می پردازند و گروپهای خاص به این نکته پافشاری می نمایند که **گذشته را صلوات....**

بلی: صلوات گفتن در همچو قضایا در نفس خود، عفو و بخشش را بیان میکند. لیکن در این باره باید توجه داشت، که عفو کردن و بخشش نمودن از طرف کس و یا کسانی که سینه های شان مالا مال از رنجها، حق تلفی ها، بی عدالتی ها، کشتن ها، بستن ها و ده ها و صد ها مظالم دیگر داغدار شده است، یک جانبه و رایگان نیست. بلکه عفو کردن نیز از خود آداب و شرایط دارد.

یقیناً که مردم زجر کشیده ما این خصلت سخاوتمندانه را دارند که دشمنان خود را مورد عفو قرار بدهند، لیکن دیده شده کسانی که مستقیماً دست خود شان با خون مردم آلوده است و یا احیاناً اگر خود شان مستقیماً به قتل یا خونریزی و جفا دست نزده اند، سیستم یا حزب یا گروه شان به خونریزی و غارت متهم اند، بسیار بی باکانه این توقع را دارند که مظلومان، آنها را به ساده گی ببخشند، و چه کودکانه که آنها را خوش آمد نیز بگویند!؟

قدر مسلم این است، آنهائیکه خواهان عفو اند و یا به گذشته شان **صلوات** گفته شود باید این اخلاق، ادب، جرئت، شهامت و شجاعت را به خرج بدهند و این فرهنگ را به کار ببرند که اعتراف کنند، عفو بخواهند و از گذشته های خود ندامت بکشند. آنگاه مردم با شهامت ما ممکن است آنها را ببخشند و آنها را در سوای سیستم یا حزب شان مورد عفو قرار بدهند. در غیر آن اگر خود را در مقامی قرار بدهند که گذشته شان را تأیید کنند، و ظلم و ناروای شخص خود شان یا سیستم شان را صحنه بگذارند و باز هم انتظار آنها داشته باشند که مردم به گذشته شان صلوات بگویند، فکر میشود که این موضوع شدید تر از جرم گذشته شان خواهد بود.

بیانید به این نکته توجه کنیم:

ما شاهد کشتار های فردی و جمعی انسانها در مواقع جنگ در کشور های مختلف جهان و از جمله در افغانستان بودیم و هستیم، مثلاً: بار بار قوای ناتو حین عملیات نظامی، مردم بی گناه کشور مان را به قتل رسانده اند. هر چند که خونبهای آن همه کشتار ها، به کم مقدار ترین شیوه ها و حتی با گفتن (ساری) تلافی شده است، لیکن دیده شده که عاملان همچو حوادث، حد اقل با گفتن (ساری) خواسته اند مسأله را جبران کنند. و یا دیدیم که آقای کیون راد صدر اعظم سابق استرالیا، در مقابل بومی های استرالیا اظهار معذرت نمود. مکرراً یاد شود که اگر کس یا کسانی خواسته باشند که به گذشته خود شان یا سیستم و یا حزب شان صلوات گفته شود، حد اقل، اقل ... این شجاعت؟! را نیز از خود نشان بدهند که چه کرده اند و باید چه بکنند. چنانچه ما کسانی را دیده ایم که از تقصیر گذشته شان و یا از جفای سیستم شان اعتراف نموده اند، که این چنین اشخاص مورد احترام قرار گرفته و مردم نیز با آنها با روحیه مسالمت برخورد نموده اند. پس راه اتحاد و همبستگی ملت ما اظهار جوانمردانه حقایق است که در پرتو آن میتوان به آینده امید وار بود.